

بیت‌الغزل

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی

سال اول | شماره ۲ | آذر ۱۳۹۹



مقام معظم رهبری: قدر تعلیم و تربیت و
معلمی، که یک سنگ فرهنگ است را بدانید.

فهرست مطالب

۳/ سخن سردبیر

۴/ میم مثل معلم

۴/ دانشجو نگاشت

۵/ تعیین تکلیف!

۶/ رسالت انقلابی

۸/ ترامپ یا بایدن؟

۹/ آنچه گذشت...

۹/ جریان چیه؟!

۱۰/ ریحانه

۱۱/ اصلا نگم برات!

۱۲/ شادونه

۱۴/ در قامت فرشته

۱۵/ من به جای همه

۱۵/ کتاب طور یسم

۱۶/ چی بینیم؟!

۱۷/ یلدا

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی

بیت الغزل

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان شهید باهنر همدان



مدیر مسئول: زینب آقایی

سردبیر: سایه پژمانفرد

هیئت تحریریه در این شماره:

سایه پژمانفرد* راحیه ترکمان* زینب حیدری

زهرا وزیری* راغب* فاطمه مجنوبی* مریم سامانلو

غزاله شونیدی* فاطمه پاشایی خجسته* شیرین حسوند

زینب جمشیدی* مریم بیگدلو* پریسا مرادی پناه

عرفانه کاشفی* پریناز درجزینی* فاطمه سایه وند

هائیه صالحی خشنودی

طراح و صفحه آرا: پریسا آزادی


سخن سردبیر

سایه پژمانفرد



معمولا رسم بر این است که سردبیر صفحه اول مجله یا نشریه ای را سیاه کند. ناگهان با خودم گفتم چه ایرادی دارد در برخی دیدگاه ها و رویکردهایمان تجدید نظری داشته باشیم؟! البته این تجدید نظرها و تغییرات نباید طوری باشد که خدایی ناکرده آسیبی به بقیه برساند ولی تغییراتی که جنبه ی مثبتی دارند، مثل همین تصمیم ما که به امید خدا قرار است در هر شماره ای همکاران و دوستان عزیزتر از جانِ فرهیخته تر از ما، صفحه ی نخست نشریه را به تناوب قلم زنی کنند مگر قرار نیست گاهی اوقات تغییراتی در زندگیمان ایجاد کنیم؟! به گمان بنده، این تغییر علاوه بر اینکه آسیب زا نیست بلکه به شدت موثر خواهد بود! زیرا بهره مندی از فرمایشات مثبت و سازنده ی همکارانِ فرهیخته ام در این مجموعه سرتاسر سازنده و مفید است.


میم مثل معلم

راضیه ترکمان 

قدم نهاده ای در وادی عشق
زیباست جایگاهی که داری:
تعلیم مبینی که تعلیم بدهی
تربیت میشوی که تربیت کنی
عاشق میشوی که عاشقی کنی
با لطافت کاغذ
می بافی تار و پود زندگیت را با عشق
با صداقت قلم و با سخاوت پاک کن
رج به رج می بافی و می بافی و می بافی
با رقص گچ روی تخته
تابلوی زندگیت پر می شود از میم
میم مثل معلم
میم مثل مدرسه
میم مثل مهر
میم مثل ما...

دانش‌نگاشت

به مناسبت ۱۶ آذر...

زینب حیدری 

دانشجوی حق طلب امروز مسئولِ مسئولیت پذیر
و درستکار فردا است.

حال اگر هم دانشجو باشیم و هم معلم دیگر هیچ جای
سخن باقی نمی ماند، حق مطلب در همان دو کلمه ی
دانشجو معلم ادا می شود. دانشجویی که فردا معلم و
الگوی بچه های وطن است. دانشجو معلمان متین و شریف
و مهربان که با همه سختی ها، با تمام بود و نبوده ها، باز هم
شوق خنده های بچه های کلاشان فکر هر شب شان
است. دانشجویان امروز، معلمان فردا روزتان مبارک.



۱۶ آذرماه سال ۱۳۳۲، در میان تمام هیاهوی کشور، نام
توست که بر تارکِ تاریخِ این کشور، جاودانه درخشان
می ماند ای دانشجو! دانشجوی کوشای این مرز و بوم که
سرش فقط در درس کتاب نیست، همپای مردمان
سرزمینش است در تمام روزهای تلخ و شیرین وطن. روح
پاک و بی آلاشِ توست که آینه ی آینده ی پرشکوه
ایران است. دستان توانگرِ توست که دورتادور ایران زیبا را
با هنرمندی تمام قاب می گیرد. حق است که می گویند روز
دانشجو روز حق خواهی و حق طلبی است.

آموزشی و پرورشی یا پنگاه کارایی

تعیین تکلیف

مریم سامانلو



هویت اصلی آموزش و پرورش معلم است و آموزش و پرورش در حال حاضر با خیل عظیم کمبود معلم دست و پنجه نرم می کند. (راه های جذب معلم بر اساس اسناد بالادستی، قوانین موجود و مجموعه بیانات رهبری)

بند ب ماده ۶۳ قانون برنامه ششم توسعه: جذب معلم از طریق دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی

راهکار شماره ۱/۱۱ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: استقرار نظام ملی تربیت معلم و راه اندازی دانشگاه ویژه فرهنگیان با رویکرد آموزش تخصصی و حرفه ای تربیت محور توسط وزارت آموزش و پرورش.

بیانات چندین ساله رهبری در باب پذیرش نیروی انسانی: تاکید بر جذب از طریق دانشگاه فرهنگیان؛ فی المثل در شهریور ماه ۹۹ که فرمودند:

“حتی یک معلم غیر از این مسیر (دانشگاه فرهنگیان)

نباید وارد آموزش و پرورش شود.”

در حال حاضر سه طرح روی میز کمیسیون آموزش مجلس در حال بررسی است که هر سه مربوط به جذب معلم است. این سه طرح مربوط به *قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در وزارت آموزش و پرورش* است.

این قانون سال ۸۸ برای استخدام ۶۰ هزار نفر به تصویب رسید. در ماده ۸ همین قانون و بعدها ماده ۱۸ همین قانون ذکر شد که بعد از استخدام این گروه دیگر جذب به این صورت ممنوع خواهد بود

و حتما باید از طریق دانشگاه فرهنگیان باشد.

اما در مجموع ۱۱ الحاقیه به این طرح اضافه شد و قانونی که قرار بود تنها ۶۰ هزار نفر را استخدام کند تاکنون ۲۰۰ هزار نفر را جذب کرده است. جذب بدون در نظر گرفتن کیفیت...

در سال های اخیر ۷۰ درصد جذب معلم ما از طریق تجمع جلوی مجلس بوده و این در نوع خود فاجعه محسوب می شود.

طرح هایی که در حال حاضر روی میز کمیسیون آموزش است:

* ۱. طرح اصلاح ماده الحاقی مصوب سال ۹۷ قانون تعیین تکلیف*

طبق این طرح برگزاری آزمون استخدامی برای آموزشیاران و آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی و عدم برگزاری این آزمون برای نیروهای حق التدریس و مربیان پیش دبستانی تبعیض و بی عدالتی آشکار به شمار می رود.

نویسندگان این طرح معتقدند برگزاری آزمون یک عمل اداری زائد و هزینه بر است! و دیگر از آموزشیاران نهضت سوادآموزی هم آزمون نگیریم!

* ۲. طرح الحاق تبصره ۱۱ به ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف*

طبق این طرح آموزش و پرورش موظف است تمامی نیروهای خرید خدمات آموزشی که از سال ۹۳ تا پایان سال ۹۸ با آموزش و پرورش در ارتباط بودند را در عرض دو سال استخدام کند.

* ۳. طرح الحاق یک تبصره به ماده ۱۷ قانون تعیین تکلیف*

طبق این طرح آموزش دهندگان نهضت سوادآموزی، نیروهای خرید خدمات آموزشی، نیروهای حق التدریس و مربیان پیش دبستانی که تا پایان سال ۹۸ با آموزش و پرورش در ارتباط بودند باید استخدام شوند.

رسالت انقلابی



مصاحبه با دکتر سجاد صدیقی

مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کشور

مصاحبه کننده: زهرا وزینی راغب

(۱) مفهوم بسیج دانشجویی از دید شما یعنی چه؟

بسیج دانشجویی، ترکیبی از قدرت علم و در عین حال قدرت انگیزه و ایمان می باشد که ترکیب این دو با هم، یک عنصر خاص به اسم بسیج دانشجویی را ایجاد می کند. بسیج دانشجویی مجموعه ی مومن، با انگیزه و متعهدی است که خود را ملزم و متعهد به مسائل و چالش های پیش روی انقلاب اسلامی می داند و برای آن ها باید بتواند عالمانه بیندیشد و برای شان، ایده و راه حل مناسب مطرح نماید.

(۴) بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان در انجام مأموریت ها و فعالیت های خویش چقدر موفق بوده است؟

یک بسیج دانشجویی باید بتواند به فکر یک مجاهدت رسالت محور باشد تا بتواند جریان حرکت انقلاب را بیش از پیش تسهیل کند و حرکت عمومی کشور را به سمت رسیدن به قله ها آسان تر نماید. مجموعه ی بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان مجزا از کلیت بسیج دانشجویی نیست اما تکلیف مضاعف معلمی او را مقدم بر قشر های دیگر می کند. او موظف می شود که علاوه بر وظایف و رسالت های عمومی بسیج دانشجویی، به سبب توفیق معلمی، خودش را مکلف به وا کاوی های لایه های اجتماعی بداند تا بتواند در واقع شدن را به جوهر هدایت مزین کند در این مجموعه تلاش بر این بوده که عناصر تشکیل دهنده ی بسیج دانشجویی در

(۲) یک دانشجو معلم بسیجی در شرایط امروزه چگونه می تواند نقش آفرینی کند؟ و چه ویژگی هایی داشته باشد؟

دانشجو معلم بسیجی یک ویژگی خاص است که به همان میزان، انتظار از این فرد هم بسیار بالا است. یک دانشجو معلم بسیجی، به دلیل اینکه سه ویژگی خاص یعنی دانشجو بودن، معلم بودن و بسیجی بودن که در آن حاکم است، باید خودش را متعهد به بسیاری از مسائل و چالش های انقلاب و ملت بداند. او به سبب دانشجو معلم بودن، باید خودش را متعهد به یک نگاه عمیق و عالمانه بداند، به سبب معلم بودن خودش را متعهد به هویت هدایت گری ببیند و به خاطر بسیجی بودن، خودش را ملزم به خصوصیات، اعتقادی، انگیزه ای و جهاد گونه ی بسیجی ببیند. به نظر بنده اگر بخواهیم دانشجو معلم بسیجی را تصویر کنیم "او فردی متعهد و مسئول نسبت به همه ی شئون فردی و اجتماعی می بینیم که بتواند با نقش معلمی و هدایت گری خویش، عرصه ی هدایت اجتماعی کشور را به سر منزل مقصود و آرمان های بزرگ انقلاب جمهوری اسلامی برساند."

دانشگاه خودشان را با توجه به اینکه مسئله نظام تعلیم و تربیت و شخصیت معلمی برای رسیدن به افق های پیش رو، محور طراحی ها و حرکت هاست، از این منظر بتواند کنشگری های خود را به ثمر برساند. امروزه در بسیج دانشجویی فرهنگیان اگر چه اقدامات شایانی صورت گرفته اما هنوز با سطح مطلوب خودش فاصله ی زیادی دارد به طوری که گاهی هر چقدر نسبت به اهداف آن گام بر میداریم همچون قطره ای در برابر دریاست اما به تعبیری باید این مسیر را پیمود چرا که رسیدن به سر حدی از کمالات افق های پیش رو علی رغم دشواری، اما با همت، ایمان و انگیزه ی الهی نشدنی نیست.

(۳) با توجه به گفته ی حضرت آقا "امروزه تقویت بنیه علمی کشور فریضه است" توصیه ی شما به دانشجویان چیست؟

بدون تردید، ما با مسئله ها و چالش ها نمی توانیم مواجه شویم به جز اینکه خود را موظف به این بدانیم که موضوعات و مسئله ها را در قامت خودش خوب بشناسیم و بعد در باره ی راه حل های برون رفته از آن ها به نتیجه برسیم. افق پر فروغی که برای نظام ایران عزیزمان در پرتوی انقلاب اسلامی در نظر داریم، دست نیافتنی خواهد بود مگر اینکه با یک دید عالمانه تری پیگیری شود. زیرا نمی توانیم ادعا کنیم که افق بزرگی را برای خود ترسیم کرده ایم اما در عین حال در جهل و ندانستن حرکت کنیم. تلاش و تکاپوی خاص مومنانه و مجاهدانه برای فهم مسئله ها، موانع و نیز طراحی مسیر حرکت تمام وابسته به مصلح و مسلط شدن یک دانشجو به علم و عالم شدن به موضوعات و چالش هاست. به تعبیر بنده آنچه در عصر کنونی انتظار می رود این است که یک دانشجو رسالت حقیقی به ادای یک تکلیف اجتماعی و تاریخی است که مبتنی به دریافت آگاهی و نیز گسترش نگاه عالمانه نسبت به موضوعات پیرامون خودش است. یک دانشجو باید بتواند سریع از دیگر افراد درون جامعه، به مسئله های پیشرو برسد و زود تر از اینکه جریان اجتماعی با آن برخورد کند به چاره اندیشی برای آن پردازد و این کنشگری موثر محقق نخواهد شد مگر اینکه ما نسبت به موضوعات فهم دقیق و عالمانه پیدا کنیم.

۵) بصیرت یک دانشجو چگونه باید باشد؟ منبع یا کتابی در این زمینه لطفا معرفی فرمایید.

۶) به نظر شما مهمترین خواسته‌ی رهبر معظم انقلاب از دانشجو معلمان چیست؟

۷) شما به نسل جدید انقلاب به ویژه دانشجو معلمان چه توصیه‌ای دارید؟

امروزه ما در برهه‌ی حساسی در تاریخ قرار داریم که مدام باید دست به انتخاب‌گری در عرصه‌های مختلف بزنیم اما آنچه که سبب تشخیص مسیر حق از باطل می‌شود قطعا بصیرت و بینش هوشیارانه و آگاهانه است. ما در مسیر تحولات حرکتی خودمان باید تکلیف خود را نسبت به مسیر پیشرو مشخص کنیم و هویت اصیل مان را در این فراز و نشیب‌ها برای خود و دیگران نمایان سازیم.

البته در کنار بصیرت و شناخت، عنوان دیگری که اهمیت بسیاری دارد حضور به لحظه است. هرگاه یک دانشجو احساس کند که باید ظهور و بروز پیدا کند، دست به انتخاب بزند و اراده‌ای را متجلی نماید باید اقدام کند که اگر به این دو اصل توجه شود می‌توان نسبت به آینده چشم‌انداز امیدبخشی را ترسیم کرد. بنده دو سخنرانی رهبر معظم انقلاب حضرت خامنه‌ای با عنوان رسالت خواص و عوام در دهه‌ی ۷۰ را به شما پیشنهاد می‌کنم که ایشان در آن سخنرانی به تحلیل تاریخ و تعیین وضعیت دانشجویان نسبت به تحولات پیش رو پرداخته‌اند.

رهبر معظم انقلاب نسبت به مسئله‌ی تعلیم و تربیت نگاه ویژه و خاصی دارند و این به دلیل فهم راهبردی است که ایشان بارها به روش‌های مختلف بر آن تاکید داشتند. گاهی به دانشجویان عرض میکنیم که آنچه که رهبری از ما انتظار دارند باید از خود بیانات ایشان دریافت کرد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با دانشجو معلمان در سال ۱۳۹۷ در پردیس نسیمیه‌ی دانشگاه فرهنگیان، نهیب جنگ در عرصه‌ی تعلیم و تربیت را خطاب به دانشجو معلمان اظهار داشتند و خواستند که به طور مجاهدانه و فعالانه وارد این مسئله‌ی خاص شوند. و این دیدار گویای اهمیت و ویژه بودن مسئولیت سنگین دانشجو معلمان است. به نظرم می‌آید که انتظار اصلی ایشان از مسئله‌ی تعلیم و تربیت کشور، تحول بنیادین در آموزش و پرورش است. به تعبیر بنده کسی که می‌تواند در این جنگ به خوبی تعیین تکلیف کند همان دانشجو معلم فعال و کنشگر است که خودش را با دانش و آگاهی و بصیرت، مسلح و مسلط می‌کند تا در این مبارزه‌ی بزرگ به فضل خداوند جریان تعلیم و تربیت کشور را به نفع جریان انقلاب درک نماید. به طور کلی انتظار ایشان نسبت به دانشجو معلمان اندیشه ورزی و حضور مجاهدانه برای ادای تکلیف نسبت به تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش می‌باشد.

آنچه که اهمیت دارد این است که نسل جوان بتواند رسالت اصلی خویش که همان کسب آگاهی و علم اندوزی و کنش‌گری فعالانه در عرصه‌ی مجاهدت‌های اجتماعی است، به خوبی بشناسد و نسبت به انقلاب اسلامی ادای تکلیف نماید.

با سپاس فراوان از جناب آقای دکتر صدیقی که در این مصاحبه با نشریه بیت الغزل مشارکت داشتند.

ترامپ یا بایدن؟

با روی کار آمدن کدام یک، قرار است کشتی در حال غرق اقتصاد ایران نجات یابد؟

فاطمه مجدوبی



و همچنین کالاهایی که امکان و ظرفیت تولید داخلی دارند نباید وارد شوند بلکه باید در داخل کشور تولید شوند تا وابستگی قیمت کالاها به ارزهای خارجی به حداقل برسد.

و اگر هم تحریم هادرمشکلات اقتصاد ایران دخیل باشند، قطعاً چاره آن نشستن بر سر میز مذاکره با کسانی نیست که میخواهند ما را از نفیس بیاندازند، بنابراین تقویت تولیدات داخلی و استفاده از توانایی و استعداد نیروهای جوان است که ما را به خودکفایی و استقلال که همان هدف اصلی انقلاب اسلامی ایران است نزدیک میگرداند. بنابراین شایعانی که مبنی بر تأثیرات مستقیم انتخابات آمریکا بر وضعیت اقتصاد ایران وجود دارد، تنها یک تبلیغ روانی برای پوشش ناکارآمدی داخلی و باز گذاشتن دست دلالتان منفعت طلب برای انحصار طلبی و رانت خواری بیشتر است، در واقع میخواهند ما را آنقدر سرگرم این بازی های سیاسی بکنند که از تولید و سازندگی در کشور عقب بمانیم. واردکنندگان سودهای کلان به جیب بزنند و به راحتی ارز را از کشور خارج کنند. طبق بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب دو راه حل برای مشکلات اخیر ایران وجود دارد: اولی مذاکره بود که ما این راه را رفتیم اما سودی نداشت، راه دوم غلبه بر تحریم هاست با تولید و سازندگی ملی که لازمه ی آن عزم و اراده و برنامه ریزی دقیق مسئولان و مردم است.

حرف اخرا این که مردم ایران استوار و هشیار، پای ارزش های خود ایستاده اند و هرگز به سمت قاتلان سردار شهیدمان، دست دوستی دراز نخواهند کرد.

جنجال است، همین یک دلیل کافی است تا علت بیشتر گرانی ها و ناهنجاری های اقتصادی را به سوء مدیریت مسئولین مربوطه و عدم نظارت ها نسبت بدهیم؛ چه بسا به نظر می رسد برخی از این نوسانات قیمتی تعمدی است تا اقتصاد داخلی را به تحولات خارجی گره بزنند.



و بدین ترتیب یک اقتصاد شرطی و نه اقتصاد مقاومتی ایجاد کند

به طور مثال، دپوی کالاهای اساسی در گمرک های کشور که اخیراً اخبار آن منتشر شد نشان می دهد برخی افراد سودجوی دولتی و غیردولتی به دنبال دلالتی و منفعت شخصی هستند.

و ترخیص کالاها هیچ ربطی به تحریم ها نداشته و خود نوعی احتکار قانونی است که به بی ثباتی و افزایش قیمت ها دامن می زند. یالین که اکثر کالاهای اساسی با ارز دولتی وارد کشور میشود اما به قیمت ارز آزاد به دست مردم میرسد، (و متأسفانه مشکلی بسیار بزرگ که در کشورمان است وجود دلالتان است که خود آسیب بزرگی به پیکره ی اقتصاد کشور زده اگر دلالت ها نبودند وضعیت قطعاً اینگونه نبود) و مسائلی از این قبیل که نیازمند اصلاح در شبکه توزیع کالا می باشد.

سوال جالبی است نه؟ ارتباط اقتصاد ایران با پیروزی یکی از دو کاندیدای ریاست جمهوری در آمریکا سوالی که این روزها نقل محافل مختلف جامعه اعم از عوام و خواص بوده و سر از رسانه های مکتوب و غیر مکتوب، شبکه های اجتماعی و حتی صدا و سیما درآورده است. این مباحث موجب شرطی سازی بیم ها و امیدهای کاذب برخی افراد جامعه با نگاه به تحولات خارجی شده است.

برخی نگران روی کار آمدن ترامپ بوده و برخی هم شادمان از پایین آمدن قیمت ارزهای خارجی اند و آن را به پیروزی بایدن ربط می دهند.

اگر کمی تیزبین باشیم می توانیم پاسخ این سوال را از همین اتفاقات اخیر جستجو کنیم؛ انتخابات آمریکا نشان داد مشکل اصلی اقتصاد ایران مرتبط با سیاست مدیریت غربگرایانه داخلی است و مردمی که چشم به اخم و لبخند غرب دوخته اند، و بی صبرانه منتظر نشان دادن چراغ سبز از سوی دشمن هستند.

همچنان که مشاهده کردیم در ایام انتخابات آمریکا که هیچ رویدادی از لحاظ تمدید یا حتی لغو و تعلیق تحریم ها اتفاق نیفتاد، اما قیمت ارز و طلا در داخل کشور به صورت کاملاً محسوس پایین آمد! پس در اینجا این سوال پیش می آید که اگر این افزایش قیمت ها در گذشته، عمدی یا فرمایشی نبوده است و علت آن فقط به تحریم های اعمال شده از سوی آمریکا و متحدانش بر میگردد، چگونه و چرا بدون هیچ اتفاقی از نظر لغو یا تعلیق تحریم ها در این بازه زمانی کوتاه، قیمت ها کاهش پیدا کرد؟ نکته جالب تر اینجاست که، در صورتی که در خود آمریکا بر سر به قدرت رسیدن نامزدهای انتخاباتی

آنچه گذشت... نگاهی طعنه‌آمیز به انتخابات

فاطمه پاشایی خجسته



جدیدشان قرار است که رها کند آن منشا فسق و فجور را و راهی ایران بشود و اولین کارش این باشد که دلار را پایین بیاورد و برهاندمان از این گرانی خودرو! چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی! آن شبی که رای به بایدنش دادند... لذا بر این منوال، همچون قوم موسی نشستیم و نظاره کردیم و دیدیم که خیر! تو زرد از آب درآمد و قیمت‌ها حتی در حد یک سکنه مغزی ریز نیز، حرکتی به خود نداد!

ما ماندیم و... انتخابات پیش رو و رفاقت گرمابه و گلستان همان منجی ایران بشریت، با وزیر امور خارقه مان و روز از نو و روزی از نو! فی الحال این آخرین اولتیماتوم است که الا یا ایها البشرون!! باز کنید آن دو چشم آهوپی را و بگردید به دنبال مومن ترین شان و انتخاب کنید لایق ترین شان را... و نترسید که ان الله معنا...
العبد الاحقر یک دلشکسته از گرانی‌ها

روشنگری و شفاف سازی از این کتاب به آن کتاب و از این رزومه به آن رزومه گشتیم... حتی چشم هایمان یار وفاداری نیز یافتند که نامش عینک بود! بنگر به کجا رسیده دیوانگی ام!!!
کوتاه سخن... که آن چشم گشایی‌ها و درشت بینی‌ها نیز نتوانست علاج واقعه قبل از وقوع کند و ما گرفتار دام "علی برکت الله" شدیم... حال حتی اگر شخص شخیص آیت الله قرائتی نیز بیاید، در تفسیر این حجم از وحی منزلت گرانی نیز عاجز خواهد بود...

حال که قلب‌ها و مغزهایمان به تنگ آمده از دست آن وعده‌های عملی نشده شان و چهره آرتیستی شان به فکرمان رسید که به گفته پیامبرمان عمل کنیم، آنگاه که فرمود: "قل سیروا فی الارض"
پس گشتیم و گشتیم در جهان و درست مقابل کاخی سفید رنگ توقف کردیم و دیدیم که عه! اینها نیز به همان روزگار دچارند... با این تفاوت که رئیس جمهور

آقا! جانم برایتان بگوید که زمان انتخابی اساسی بود... طرفدارهای هر جبهه، ساز خودشان را میزدند... گویا جنگی به پا بود!

یک اصلاح طلب از یک سویی ندای آزادی سر میداد و اصول گرایی منادی نجات فقرای حلبی آباد‌ها بود...

بماند که هر یک از احزاب وارونه تعبیرش کردند و گفتند: الکرانی، مال‌الکرانی، و ما ادراک مال‌الکرانی؟؟؟ آیا نمی‌دانید که دلار پانصد تومانی عزیز تر از جانمان، ده تا هزار تومانی خواهد شد؟؟؟

و فلان و بهمان... القصه... سرتان را درد نیاورم چه افتراها و تهمت‌های ناروایی که نثار حزب بی گناه کردند! بهمان گفته بودند خوب خوب چشم‌هایتان را باز کنید... آقا به خالق این دو بادام قسم که دیگر بیشتر از این نمی‌توان چشم باز کرد! آخر چشم‌هایمان از حقه بیرون زده بود پس که به دنبال

جریان چیست؟ ! آنچه باید از فمینیسم بدانیم



همچنین این موج توانست استقلال مالی و حق مالکیت برای زنان متاهل را ایجاد کند. می‌توان گفت موج اول به دنبال اثبات کردن، انسان بودن زن بود و تا حدودی موفق به احقاق حقوق زنان شد. جالب است بدانیم تاریخی که زنان ایرانی به حق رأی رسیدند، ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ است. اسلام یعنی دین خدایی که زن را آفریده، تمام این حقوق را که غرب برای رسیدن به آن تشکیلات راه انداخت، بدون جنجال به زن می‌دهد. موج دوم خواستار برابری کامل زن و مرد در تمامی زمینه‌ها بود و معتقد بود دستیابی به حقوق سیاسی و قانونی مسئله زنان را حل نکرده است.

رایک موج از جریان فمینیسم می‌نامند.
موج اول فمینیسم را می‌توان موج حقوقی نامید؛ زیرا مطالبات این موج بیشتر دارای جنبه حقوقی است و از جمله مطالبات آنان حق برابر در کار و تحصیل و حضور فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی بود. این حقوق، قانوناً از آنان دریغ شده بود. موج اول توانست به کسب حق رأی برای زنان دست پیدا کند. انگلستان به عنوان اولین کشور غربی در سال ۱۹۱۸ و پس از آن آمریکا در سال ۱۹۲۰ این حق را برای زنان به رسمیت شناخت. قبل از این در جامعه غربی زنان حتی برای تاثیرگذاری در امور جامعه نداشتند و این هم از جمله طوفان‌های بود که بر انسانیت زنان زده شد.

در طول تاریخ، طوفان‌های بسیاری بر* جایگاه زن* زده شده. عرب جاهلیت دختر را زنده به گور می‌کرد و بسان کالا به او می‌نگریست. در آن جامعه نه تنها به زن ارث نمی‌رسید بلکه به همراه اموال همسر به ارث هم می‌رسید. ادیان تحریف شده هم تا آنجا که می‌توانستند زن را از انسان بودن دور کردند. و دنیای مدرن که با ظاهری شیک و سخنانی دلسوزانه، زن بودن را زنده به گور کرد. نهضت زنان به معنای دقیق در قرن ۱۹ در فرانسه گسترش یافت و نام فمینیسم را گرفت. feminism فمینیسم فرانسوی از ریشه femina به معنی زنانه و مونث است. جامعه‌شناسان جریان فمینیسم را در چهار مرحله مطرح می‌کنند و اصطلاحاً هر مرحله

در اصل این موج یک جایگاه بالایی برای مرد در نظر داشت و معتقد بود زنان هم باید به آن برسند و در همه ی زمینه ها شبیه مردان باشند. همین موج بود که زن بودن را از زن گرفت. در **موج دوم** ردپای نظام سرمایه داری را نمی شود نادیده گرفت. در واقع نظام سرمایه داری از موج دوم به سود خود استفاده کرد. سرمایه داران از جمله حمایت کنندگان زنان برای رسیدن به برابری با مردان به خصوص در عرصه کار بودند. نتیجه این موج این بود که زنان با مزد کم و کار بیشتر در کارخانه ها مشغول کار شدند. حتی در انتخاب شغل هم طبیعت زنان در نظر گرفته نشد. زنان به خاطر اینکه به مرد ها برسند، تن به کارهای مردانه و سخت می دادند، تا در کنار مردان قرار بگیرند. در واقع زنان به کارگران ارزان کارخانه ها تبدیل شدند و این به سود سرمایه داران بود. در همین موج از فمینیسم خانواده به شدت سرکوب شد و خانواده را برای زن یک زندان تعریف کردند و این ضربه ای بر بدنه خانواده بود. موج دوم دارای آثار نامطلوبی بود که بیش از همه دامن زنان را گرفت از جمله خشونت در خانواده، محل کار و عدم امنیت جنسی. **موج سوم** جریان فمینیسم تلاش داشت تا تفسیر جهان و نحوه نگرش به آن را به دو قسمت زنانه و مردانه تقسیم کند. آنان معتقد بودند علوم و مفاهیم در دسترس، با درک و فهم مردان شکل گرفته و هر کدام از اینها با دیدگاه زنانه متفاوت خواهند بود. آنان معتقد بودند که باید با نگاه زنان به جهان نگریش و باید از جهان تفسیری زنانه ارائه شود. موج جدید، جریانی انتقادی به بی بند و باری در روابط جنسی و بی اعتنائی به تعهد و حفظ حدود در این روابط است. شاید بتوان گفت آنها به دنبال بازگشتن به زن بودن و به دست آوردن حقوقی متناسب با طبیعت خود هستند. این موج، یک جهت گیری در جنبش فمینیسم است. جریان *قدرت دخترانه* در اوایل دهه ۲۱ میلادی با تفکری ایده آل آغاز شد. دختران این جریان، مجلاتی برای دوستداران خود چاپ می کردند که در آن با انتقاد از آزار و اذیت جنسی، امید خود را برای جامعه انسانی تر مطرح می کردند. این موج برخلاف فمینیست های دهه ۹۱ و ۸۱ میلادی است که تاکید بر آزادی جنسی داشتند و می گفتند حفظ پاکدامنی، مختص بازنده ها است و با طبیعت بشری سازگاری ندارد و پیشگیری از بارداری باید در اختیار نوجوانان باشد و سقط جنین کار درستی است و در واقع آنان با مفهوم عفاف مخالفت بودند، چرا که آن را وسیله ای برای ستم مردانه می دانستند. در موج جدید، فمینیست ها خواستار جنبشی هستند که برای کرامت بیش از حقوق اهمیت قائل شود. در واقع خواستار حقوقی در خور کرامت و جایگاه زن هستند. این جریان حامی زنان است اما در عین حال به معیار های جنسی بالایی معتقد است و شاید این زنان جوان وقتی بزرگتر شوند، دیگر خود را فمینیست نخوانند چون رهبران جریان فمینیسم نمی توانند آنها را بپذیرند.

ریحانه

پریناز در جزینی

واژه ی اشتغال را که می شنویم ضمیر نا خود آگاه خود را به سمت مردانی راهنمایی می کند که شبانه روز در حال کار کردن است، اما این در حالیست که در کشور ما و حتی جهان؛ بانوانی هستند که با وجود تمام این مشقت های موجود و تمام این محدودیت ها، با حفظ موازین و چارچوب های اصیل ایرانی و اسلامی، توانسته اند از موانع و سد ها عبور کرده و به موفقیت دست یابند. آری به اتفاق باید در برابر این بانوان سر تعظیم فرود آورد و آنها را تحسین نمود. آنانکه خودشان به تنهایی مسئولیت مادر بودن و همسر بودن را به عهده داشتند، اینک مسئولیت جدیدی را بر عهده گرفته اند. گاهی حتی آنان علاوه بر اشتغال، ایجاد اشتغال نیز میکنند. آنان ثابت کردند با اراده ای راسخ و توکلی عظیم می توان گام های بلندی رو به جلونهاد که این گام ها می توانند فردایی زیاتر، دنیایی مطلوب تر و زندگی بهتری را بسازد. جهان امروز که خواه ناخواه درگیر شکاف جنسیتی شده است، نیاز به حرکتی عظیم و گسترده دارد که این امر گام ابتدایی آن است. با اینکه نقش زنان در مدیریت کمتر دیده می شود اما باید اذعان داشت که در تولید ملی نقش بسزایی دارند و باید این نقش جدی تر گرفته شود. باید بپذیریم بدون حضور زنان در جامعه نمی توانیم جایگاه مناسبی را در سطح جهان به دست بیاوریم. از این رو، زنان موفق سرمایه های ملی بشمار می روند. اما تعریف یک زن موفق چیست؟ شاید بتوان این طور گفت که هر زنی تعریف مشخصی از موفقیت برای خود دارد. اما برخی از ویژگی ها میان بیشتر آنها مشترک است.

به طور مثال، می توان به پشتکار و احساسات عمیق آنها اشاره کرد. انسان بدون احساس و اشتیاق نمی تواند هیچ کاری را به انجام برساند؛ حتی اگر در انجامش مهارت و دانش کافی هم داشته باشد. همچنین زنان موفق به خوبی می دانند که قرار نیست در همه امور عالی باشند. به زبان ساده تر، این زنان به هیچ وجه کمال گرا نیستند و به وجه مختلف افکار و ایده هایشان نگاه مطلق ندارند. مطلق گرایی در نهایت به ناامیدی منجر می شود و این همان چیزی است که زنان موفق هرگز به سراغش نمی روند. چه بسیارند این زنان! در اینجا به معرفی نمونه ای از این بانوان خوب و عزیز می پردازیم:




سیده فاطمه مقیمی، نخستین بانوی زن ایرانی است که توانست یک شرکت بین‌المللی حمل‌ونقل را به نام خود ثبت کند. او یک کارآفرین موفق است، نخستین زنی است که مجوز شرکت حمل‌ونقل را گرفته است.

مقام و جایگاه‌های کاری که او تاکنون داشته و دارد، ۳ دوره عضویت در هیات مدیره انجمن صنفی شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی، ۱۲ سال عضویت و ریاست بخش حل اختلاف و رسیدگی به شکایات تجار، شرکت‌ها و رانندگان و... است که برای او جای بسی افتخار است که توانسته بیش از ۹۵ درصد این پرونده‌ها را با صلح و سازش طرفین مختومه کند.

او همچنین عضو انجمن‌های دوستی ایران و کشورهای مختلف و مدیرعامل انجمن ملی زنان کارآفرین و عضو گروه مطالعاتی و تحقیقاتی کریدور شمال-جنوب است.

اصل! نگم برات!

غزاله شوندی | 

دوستان شب زنده دار به غارت رفته و این چرخه به همین صورت توسط دیگر دوستان اداره و ادامه می‌یابد.

(بحث شیرین حقوق شد و همگی قند اندرون دلمان آب) برخلاف تصور عموم که دانشجو معلم فرد خوشبختی است که از روز اول دانشگاه حقوق می‌گیرد، دانشجو معلم فرد حقوق بگیر پولداری است که کاملاً هم بی پول است و این تناقض بس عجیبی ست که جز قشر دانشجو معلم و معلم کسی آن را درک نمی‌کند.

امسال با فرا رسیدن روز دانشجو و مجازی بودن این روز مانند همه مناسبات دیگر سال، قبل از هر چیزی تسلیت عرض می‌کنم خدمت تمامی عزیزان ورودی ۹۹ که با هزار آمل و آرزوی دانشجو شدن، سرکلاس رفتن، خلاص شدن از عنوان "دانش آموز" و جشن گرفتن این روز، یک سال تمام برای کنکور تلاش کردند، از هفت خان مصاحبه و گزینش عبور کردند، در دانشگاه فرهنگیان پذیرفته شدند و در نهایت دیدند امسال همه چیز مجازی شد.

دانشجو معلم کیست؟ دانشجو معلم فرد مظلوم جامعه است که از همان ابتدا با غذاهای سوسک پسند سلف، نگاه‌های از برج به زیر زمین برخی از مسئولین، خوابگاه‌های با جمعیت ۲۰-۱۰ (و برو بالاتر) و امکانات آموزشی و رفاهی در حد پایین روبه رو و شوکه زده می‌شود. او از ترم ۳ به بعد کاملاً به این شرایط عادت می‌کند و حتی خوابگاه را با همکاری دوستان به محیطی شاد و مفرح نیز تبدیل می‌کند!

(برگزاری مسابقات ورزشی در پردیس‌های برادران نیز گزارش شده است.)

به طوری که بعد از فارغ التحصیلی احساس دلتنگی شدید به همان خوابگاه ۴۰ نفره و دوستانش را نیز می‌کند.

او با گذر زمان، دیگر اعتراض به کسری حقوق و این حرف‌ها را که فراموش می‌کند هیچ! تازه مجبور است مقداری از حقوق خود را صرف خرید مواد غذایی و زنده ماندن خویش کند که در نهایت، شبانه این مواد به صورت کاملاً مخفیانه توسط

“ضمن عرض تبریک خدمت همه دانشجومعلم‌ان عزیز، خاطرات این روز را برای دوستان ما قبل ۹۹ زنده و برای دوستان ورودی ۹۹ فضا سازی می‌کنیم.”



(ناگفته نماند که پس از پایان مراسم هر خوابگاه این روز را با تدارکات ویژه تر برای خود جشن می گیرد).

گذشته از سختی ها و مشکلاتی که با زبان طنز و اغراق آمیز بیان شد خاطرات شیرینی در این ۴ سال رقم می خورند که شاید هیچ وقت دیگر تکرار نشوند. انشاء الله سال دیگر جشن این روز به یاد ماندنی به صورت حضوری برگزار گردد و همگی در کنار هم به دانشجومعلم بودن خود بار دیگر افتخار کنیم.

در آخر برای تمامی دوستان ورودی ۹۶ آرزوی توفیق روزافزون داریم.

اگر مراسم به صورت جداگانه برگزار نشود معمولاً بعد از نوش جان کردن ناهار، دانشجویان پردیس کوچکتر و کم امکانات تر سوار بر اتوبوس های آخرین سیستم و جادار (اگر لحظه ای به آخرین سیستم بودن اتوبوس ها و جادار بودن فضا شک دارید کاملاً در اشتباهید). به پردیس بزرگتر و یا همان مدیریت امور پردیس های استان می روند تا شاهد مراسم پرشکوه روز دانشجو باشند. پس از رسیدن به مقصد مورد نظر دانشجویان پردیس میزبان از ابتدای درب تا سالن همایش ها با استقبال کم نظیر خود سنگ تمام می گذارند. در ادامه، مراسم روز دانشجو طبق روال تمامی مراسمات دیگر برگزار می شود.

با فرارسیدن ۱۶ آذر اولین چیزی که به قول نیما یوشیج یاد ما دانشجومعلم را روشن می دارد، یاد غذای لاکچری (جوجه کباب) به اضافه یک عدد دوغ یا دلستر به همراه یک عدد موز می باشد. البته توزیع ژله و پیش غذای سوپ هم در برخی پردیس ها دیده شده که از همین جا همگی برای تشویق و تقدیر و احترام از روءسای این پردیسان می ایستیم. البته که صف سلف روز دانشجو خودش این وسط داستانی ست عجیب!! چرا که محال است برخورد و بحثی آن وسط مسط ها رخ ندهد.

(خواهر من، برادر من جا نگاه ندار برای رفیقت).

نگاهی به چالش های آموزشی مجازی از دیدگاه یک آموزگار

شادونه

مصاحبه کننده: هانیه صالحی خشنودی

به طور اتفاقی در گزینه های پخش زنده، عبارت «ارسال با دستگاه خارجی» را دیدم. اول چیزی دستگیرم نشد و حتی با فعال کردن آن نیز نمی شد پی به امکانی که قرار است به ما بدهد برد.

زیاد جدی نگرفتمش تا اینکه در جلسه ای که با مدیریت محترم و معاونین مدرسه داشتیم برای ادامه کار در این فضای شاد یا برگشت به ادوبی کانکت صحبت شد. من هم گفتم امکانی هست در شاد به عنوان «دستگاه خارجی» این رو هم امتحان کنیم. ولی نه خودم و نه دیگران پی گیرش نشدیم.

فضای های متنوعی را تجربه کردیم، از ادوبی کانکت که امکانات بسیار خوبی محیا می کرد و اسکای روم که برای مخاطب فارسی زبان تعامل راحت تری را فراهم می ساخت.

شهریور امسال که ملزم به استفاده از شاد شدیم، با توجه به تجربه ای که از کلاس های آنلاین داشتم، یکی از منتقدان سرسخت شاد بودم و از این بابت که شاد فضای تعاملی ضعیفی دارد و نمی توان با مخاطب تماس چهره به چهره داشت یا حداقل صدای دانش آموز را شنید به عنوان یک سیستم ضعیف به مدیران بالادست و مدیریت محترم مدرسه معرفی اش کردم. البته این را اضافه کنم که شاد از لحاظ اطلاع رسانی ضعیف عمل کرده بود. وگرنه امکان جالبی در درون خود ایجاد کرده بود که باید پر قدرت معرفی می شد. هنوز مهر شروع نشده بود و همه معلمین رو هماهنگ کرده بودیم و کلاس ها را چیده بودیم که با گذاشتن سه پایه و موبایل مقابل خود کلاس ها را پیش می بردیم.

به نام خدا

ابراهیم پهلوان هستم، آموزگار کار و فن آوری پایه ششم دبستان، در یکی از واحدهای بنیاد فرهنگی حضرت امام محمد باقر (ع) اصفهان از سال ۱۳۹۵ مشغول به خدمت هستم. ۱۸ سال هست که قشر دانش آموز مخاطب بنده هستند در بحث آموزش رایانه.

پیش از کرونا با توجه به آشنایی بنده با به کارگیری فن آوری در آموزش تلاشم بر این بود که خلاءهای کلاس را با نمایش توانایی هایی که تکنولوژی به معلم می دهد پر کنم و فضای کلاس را هر چه ممکن است جذاب تر و برای مخاطب خود هیجان انگیز تر کنم.

با درگیری سیستم آموزشی با معضلاتی که کرونا بر آن تحمیل کرد همیشه دوست داشتم راه هایی را که فضای مجازی باز کرده تا با سیستم های کلاس آنلاین به منازل بچه برویم و تدریس خود را به گونه ای متفاوت ارائه کنیم امتحان کنیم.



از آنجا که خود آموزگار بودم و دوست داشتم فضای کار را کمی تغییر دهم و با تجربه‌ای که از ادوبی کانکت و اشتراک فضای رایانه با دانش‌آموزان داشتم یک فیلم در یوتیوب در باره OBS دانلود کردم و چند دقیقه از آن را سریع مرور کردم. متوجه شدم که این همان چیزی است که دنبالش بودم. ۳ بامداد روزی که تدریس داشتم بیدار شدم و با دانلود و نصب OBS و کار با آپشن‌های موجود توانستم حداقل صدای خود را از آن طرف خط بشنوم. و این مرا امیدوار کرد که پس راهی هست. ساعت ۵ شد که بالاخره توانستم تصویر و فضای دسک‌تاپ رایانه را نیز به خوبی به اشتراک بگذارم. و فردای آن روز اولین کلاس خود را در فضای شاد با این امکان فوق‌العاده برگزار کردم.

چند کلاس که اجرا کردم و امکانات آن را برای همکاران گفتم، رفته رفته دیگران نیز علاقمند شدند که از این فضا استفاده کنند. با توجه به استودیو کروماکی که تابستان به همت مدیریت محترم مدرسه و معاونین ایشان محیا شده بود، حتی تدریس‌های معلم‌ها با خلاقیت‌های جالبی مثل تدریس در فضاهای رویایی بچه‌ها و در طبیعت سر سبز اجرا شد. استفاده از پرده سبز و حذف آن یکی از فیلترهایی بود که OBS درون خود گنجانده بود و معلم با نقش بازی کردن در مقابل پرده سبز و حذف آن به راحتی می‌توانستیم چنین فضاهایی را خلق کنیم.

بنظرم کرونا فرصت خیلی جالب و هیجان‌انگیزی برای حداقل بنده ایجاد کرده بود. زیرا این تکنولوژی در حال استفاده در خارج از کشور در فضاهایی مثل اینستاگرام و حتی کلاس‌های مجازی Zoom بود ولی ما چون در گیرش نشده بودیم اصلاً به ذهنمان خطور هم نمی‌کرد که چنین قابلیت‌هایی وجود دارد. با توجه به اینکه آموزگار کار و فن آوری بودم، لازم بود که چنین فضایی را به خدمت بگیرم تا مطالب را برای دانش‌آموزان بگویم. مخصوصاً که درس کار و فن آوری با تدریس رایانه و کار با نرم‌افزارهای مختلفی مثل واژه پرداز ورد هست و نیاز هست که مخاطب فضای کار معلم را ببیند.

در این مدت نرم‌افزارهای متنوعی زیادی به لیست نرم‌افزارهایی که پیش‌تر بلد بودم اضافه شده و همه در جهت تولید محتوای کاربردی و مفید برای دانش‌آموزان و معلمین محترم این سرزمین است. ۱۵ سال با وبلاگ‌نویسی مطالبی را در phystech.ir گردآوری کرده بودم و به راحتی با دانش‌آموزان به اشتراک می‌گذاشتم و این سرعت یادگیری ایشان را بهبود می‌بخشید.

البته معلم در فضای مجازی بهتر است مجهز به تکنولوژی روز از جمله گوشی هوشمند مناسب، سیستم رایانه‌ای قابل قبول، قلم نوری (دیجیتال) و چند ابزار کاربردی دیگر که به کیفیت بخشی تولید محتوا و اجرای کلاس‌های زنده به او کمک می‌کند. دانستن کار با چند نرم‌افزار کاربردی مثل کماتازیا، ویدئو اسکرایب، و حداقل پاورپوینت و کار با تخته هوشمند خیلی می‌تواند به ایشان در هر چه بهتر ارائه کردن مطالب به دانش‌آموزان کمک کند.



پخش زنده در شاد
چیزی که دانش‌آموزان می‌بینند

قلم نوری و پد مخصوص

* علت متفاوت بودن دو تصویر، تاخیر اجتناب‌ناپذیری است که پخش زنده دارد.



در قامت فرشته

مریم بیگدلو، پریسا مرادی پناه



تعدادی از این سپیدپوشان از جنس زمینی ها نبودند مدافعان سلامت در عرصه خدمت خوش درخشیدند، زمین زیرپایشان، تاب بزرگی و مقام والای آنها را نداشت و در نهایت این قهرمانان سپیدپوش پر کشیدند و آسمانی شدند. مدافعان سلامت امروز پزشکان و پرستارانی هستند که در خط مقدم مبارزه و کنترل ویروس کرونا ایستاده‌اند تا بتوانند سلامت و آرامش را به جامعه بازگردانند؛ چه بسیارند پرستاران و پزشکان متخصصی که به ارزشهای پوچ مادی دنیایی دل نبسته و ارزشهای جاودان را در نظر گرفتند و با تقدیم جان خود این مهم را اثبات کرده اند. قطعاً ملت ایران هیچگاه نام آنان که این روزها جان خود را فدا کردند و در مسیر دفاع از سلامت ملت ایران به شهادت رسیدند را فراموش نخواهند کرد ما مردم ایران برای پاسداشت از این شهدای گرانقدر این بار با رعایت بیشتر و نیز حفظ سلامتی و پیشگیری و ماندن در خانه، بهزودی شاهد کنترل کامل ویروس کرونا خواهیم بود.

مقام پرستار خودبیانگر ارزش های اجتماعی و جایگاه والای این شغل است. مقام والای پرستار در اقصی نقاط جهان ارزشمند است چه در کیش مسلمان، مسیحیت، یهودیت... تفاوتی ندارد جایگاه این همه عشق و محبت در مراتب بالاتری است. در کشور عزیزمان هم ما قهرمانان زحمات این بزرگواران هستیم ما نیز به مصداق این سخن زیبا «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» زحمت ها و تلاش های بی منت آنان را ارج می نهیم. در جهان روز ۱۲ می را مصادف با روز پرستار قرار داده اند اما ما الگویی والاتر و مشابه تر را با روز پرستار قرار دادیم. زینب کبری (س) نیز با صبر و بردباری بی نظیرش در جریان کربلا و حوادث بعد از آن حماسه خلق کرد و نام گذاری میلاد ایشان به روز پرستار در تقویم ما، به جهت فداکاری های آن حضرت از بهترین اقدامات برای ترویج سیره معصومین خواهد بود. امروزه که جهان و کشور ما درگیر بیماری منحوس ویروس کرونا است باید بیشتر قهرمانان این بزرگواران باشیم. در این روزهای کرونایی شاهد بودیم فرشته های نجاتی که بی ادعا، مثل یک پروانه دور سر بیماران می چرخیدند،

مَنْ قَامَ عَلَى مَرِيضٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَادَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ وَمَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ فَقَضَاهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. "کسی که یک روز و یک شب پرستاری بیماری را به عهده بگیرد، خداوند او را با ابراهیم خلیل علیه السلام محشور می کند. پس همچون درخشش برقی از صراط عبور می کند و کسی که در برطرف کردن نیازهای مریض تلاش کند و نیازهای او را برآورد، همانند روزی که از مادر متولد شده است، از گناهان پاک می شود."

تنها کسانی می توانند به شغل پرستاری و مراقبت از بیماران بپردازند که از انگیزه بالا، قدرت تحمل، دل سوزی و بردباری بهره مند باشند. کسانی که صبر و تحمل بالایی دارند و از هرگونه خدمت به هم نوعان خود دریغ نمیکنند این گونه افراد، در نزد جامعه محبوبیت والایی دارند زیرا همگان می دانند که پادشاه های مادی نمی تواند جایگزین این همه عشق باشد عشق به هم نوع، بزرگداشت و ارج گذاری به



من به جای همه ...

شیرین حسوند



من هم قیس بنی عامر بوده ام
در کلیسای نوتردام قدم زده ام
و در دل شاهنامه زیسته ام
من هم پایه پای آیدین
به قهوه خانه ی شور آبی رفته ام .
در نوجوانی پنیر به روباه باخته ام
و میدانم در دل مجید قصه های مجید چه می گذرد .
پا به پای راوی قصه به انتظار می نشینم
در دنیای ما کتاب خوان ها
نا امید می شویم ، اشک می ریزیم .
چای می نوشیم و نفس می کشیم .
همزاد پنداری با آدم های خیالی دور از ذهن نیست .
پایان ندارد این به جای دیگری بودن .

کتاب طور یسم

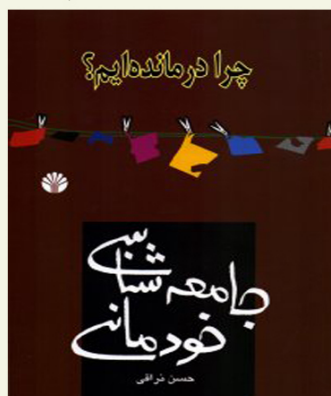
چرا درمانده ایم؟

سایه پژمانفرد



نه واقعا چرا درمانده ایم؟! حتما همه ما بارها و بارها شنیده ایم که نخستین گام برای حل یک مشکل، شناخت و پذیرش آن است. واقعا چگونه ممکن است یک نفر نداند که مشکل دارد و مشککش را نشناسد و از آن بدتر توقع رفع و فتق آن را داشته باشد؟! مرحوم حسن نراقی در جامعه شناسی خودمانی مانند طبیبی دلسوز و حاذق به شناسایی موشکافانه برخی غده های سرطانی جماعت ایرانی می پردازد؛ از جمله بیگانگی ما با تاریخ. «ملتی که تاریخ گذشته اش را نمیخواند و نمیداند، همه چیز را خودش باید تجربه کند. آیا فرصت این کار را دارد؟ آیا عمرش به این تجربه ها کفاف می دهد؟» قضاوت با شما! نویسنده بدون رودربایستی - در قسمتی دیگر از کتاب - به مسئله همه چیز دانی ما می پردازد «برخلاف آنچه شعار میدهیم پرسیدن عار نیست ندانستن عار است، باطنا بیشتر علاقه داریم از ما پرسند و حتما هم جواب بدهیم حتی اگر جواب را حاضر نداشته باشیم... معمولا هم در همه ی علوم متخصص هستیم؛ پزشکی و مسائل ترافیک، مشکلات پیچیده شهری... در امور قضایی هم اگر محیط اقتضا کند خیلی بی اطلاع! بی اطلاع! هم نیستیم!! ... مشاور را به این معنی نمی گیریم که قسمت سواد و شعور و دانش شما ی مشاور از بنده ی کارفرما بیشتر است؛ تو باید بگویی و من اعتماد کنم.

حقیقت گریزی و پنهانکاری ما، ظاهر سازی و تملق ما، خود محوری ما، بی برنامه گی ما، احساساتی بودن و شعارزدگی ما نمونه های دیگری از غده های وحشتناکمان است که چنان جامعه و فرهنگمان را از کار می اندازد یا انداخته اند که باید هرچه سریعتر معالجه و فرایند شیمی درمانی را آغاز کنیم، در غیر اینصورت بایستی فاتحه ی پیشرفت و توسعه را بخوانیم!



خیر... به دنبال این نیستیم، همه چیز را معمولاً خودمان می دانیم ولی حاصل تمامی این دانستن ها همین وضع

Julia Roberts

Owen Wilson

Jacob Tremblay

Who Gives You the Courage
to Face the World?

Wonder

چی بینیم؟!

زینب جمشیدی



اعجوبه در تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۱۷ به صورت گسترده **اکران** شد. فیلم با نظر مثبت منتقدین و تماشاگران همراه بود. اعجوبه نقدهای مثبتی دریافت کرد و در نودمین دوره جوایز اسکار در رشته بهترین گریم، نامزد دریافت جایزه اسکار شد اما این جایزه را کسب نکرد.

در پایان، تماشای این فیلم را به همه و به خصوص فعالان عرصه تعلیم و تربیت توصیه می‌کنیم. آشنایی معلمان با مشکلات کودکانی که با بیماری‌های خاص دست و پنجه نرم می‌کنند و نحوه برخورد با آن‌ها، بدون شک از ضروریات این حرفه است. هرچند موضوع اصلی اعجوبه به تصویر کشیدن مشکلات خانواده‌های دارای فرزندان بیمار است، اما در این میان، نکات آموزنده‌ای در ارتباط با مشکلات آموزشی، ارتباطی، عاطفی و اجتماعی این کودکان نیز به مخاطبان ارائه می‌دهد.

اجتماع زندگی کرده و در خانه و با کمک والدینش به آموختن درس‌هایش پرداخته است. پدر (اوون ویلسون) و مادر (جولیا رابرتس) آگهی هر دو شاغل هستند و با بالا رفتن مقطع تحصیلی فرزندشان، باید زمان بیشتری را صرف آموزش او کنند. در نتیجه بعد از رسیدن آگوست به کلاس پنجم تصمیم می‌گیرند او را به مدرسه‌ای عادی بفرستند تا در میان هم‌سالان خود به فراگیری درس‌هایش بپردازد. همین مسئله باعث می‌شود هم‌کلاسی‌هایش او را مسخره کنند و آگهی برای پیدا کردن دوست به دردسر بیفتد. خواهر بزرگتر آگهی، ویا (ایزابلا ویدوویچ)، دختر مهربانی است که در عین محبت و علاقه‌ای که نسبت به برادر بیمارارش دارد، خود را قربانی شرایط خاص او می‌داند و از این وضع ابراز ناراحتی می‌کند، چراکه احساس می‌کند همواره اولویت دوم خانواده بوده است. دوست صمیمی آگهی در مدرسه، جک ویل (نوآ جوپ)، پسر بچه باهوش و بازیگوشی است که ابتدا از روی ترحم و دلسوزی وارد رابطه دوستی با آگهی می‌شود اما بعدها او را به عنوان بهترین دوست خود می‌پذیرد.

فیلم سینمایی **اعجوبه (wonder)**، یک فیلم کمدی-درام به کارگردانی استیون شباسکی و محصول سال ۲۰۱۷ آمریکا است. فیلمنامه این فیلم بر اساس رمانی به همین نام نوشته آرچی پالاسیو به رشته تحریر درآمده است. جیکوب ترمبلی، جولیا رابرتس، اوون ویلسون، نوآ جوپ و ایزابلا ویدوویچ از جمله ستارگان این فیلم هستند.

داستان فیلم درباره پسر بچه‌ای بنام آگوست پولمن (جیکوب ترمبلی) می‌باشد که به سندرم تریچر کالینز مبتلاست و همین باعث شده تا زندگی و مشکلات بسیار متفاوتی نسبت به کودکان هم‌سن خود داشته باشد. آگوست (آگهی) پسر بچه ده‌ساله‌ای است که به تریچر کالینز مبتلاست و تا به حال ۲۷ عمل جراحی روی صورتش انجام داده.

او بسیار باهوش و با استعداد است اما به خاطر تفاوت‌هایی که در اثر ابتلا به این بیماری از بدو تولد در چهره‌اش وجود داشته، همیشه به دو از

یلدا

امشب انگار کمی بیشتر از پیش تو را می‌خواهم...

عرفانه کاشفی



شب که از نیمه گذشت، بوی باران آمد
 هوس پنجره از دیدن ماه، شیشه را باز به وجد می‌آورد
 آسمان حنجره‌ی خفته‌ی شب بود و هوا، لحظه را می‌بلعید
 چه دلم می‌رقصید، چه دلم می‌رقصید...

گر نگاهت به نگاهم گره‌ای بر بزند و هوایم به نفس‌های تو آغشته شود
 شب به صبح بوی نم و گلپر و باران بدهد هر نفسم
 دلم آشوب تر از قهوه‌ی فنجان بشود

و خدا را چه بگویم که به ما، چه نظر‌ها دارد
 چون بخار چرخان، کز دوتا چای به هم می‌چرخند، گیسوان تو بیچند به من

تو بخندی و لب‌ت بشکند انگار که ما

از برای شب یلدا کمی در کنار غزل و حافظ و فال، نار ترک خورده بخواهیم بخوریم

تو بخندی و شب از پیش به درازا بکشد

امشب انگار کمی بیشتر از پیش تو را می‌خواهم

